

# نقد زیباشناختی شعر آیینی عاشورایی قیصر امین‌پور

مظاهر زمانی نعمت‌سرا\*

دکتر محمدرضا زمان‌احمدی\*\*

## چکیده

پیوند واقعه عاشورا با روح فرهنگ و اندیشه ایرانی، شعر آیینی عاشورایی را از اعتبار و اهمیت فراوانی برخوردار کرده است. واقعه کربلا و مسایل آیینی عاشورایی از محورهای اصلی شعر قیصر امین‌پور است که از این رو در زمره برجسته‌ترین شاعران آیینی عاشورایی محسوب می‌شود. پژوهش حاضر به نقد زیباشناختی شعرهای عاشورایی قیصر امین‌پور در سه محور نوگرایی، تصویرپردازی و گفتمان علمی دانشگاهی پرداخته است. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد قیصر امین‌پور شعر عاشورایی را از افراطی‌گری و قیاس و کلیشه‌برداری دور ساخته است و به اصلاح جریان نوگرایی در شعر آیینی عاشورایی پرداخته است و با حفظ حریم و حرمت واقعه کربلا، برکنار از ارایه تصویرهای تکراری و کلیشه‌ای، تصویرهایی نو را که حاصل تجربیات شاعرانه خود اوست ارایه داده است و نیز با رویکرد عقلانی انتقادی و زیباشناختی، گفتمان علمی دانشگاهی را به حوزه شعر آیینی عاشورایی کشانده و ضمن پرهیز از عامه‌گرایی، با ارایه شعر ناب در این حوزه، در تغییر رسالت هنری این نوع شعر کوشیده و آن را دستخوش تحولی چشم‌گیر و ماندگار کرده است.

## واژه‌های کلیدی

زیباشناسی، نقد شعر، شعر آیینی، شعر عاشورایی، شعر معاصر

---

\* دانشجوی دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی اراک، اراک، ایران. (نویسنده مسؤول)

\*\* استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اراک، گروه زبان و ادبیات فارسی، اراک، ایران.

تاریخ پذیرش: ۹۶/۶/۷

تاریخ دریافت: ۹۶/۴/۱۹

## مقدمه

ذکر واقعه عاشورا در عرصه ادب فارسی دیرینگی قابل توجهی دارد، چنان‌که نمونه‌های آن را در آثار شاعران و نویسندگانی چون ابوالفضل بیهقی (تاریخ بیهقی)، کسایی، سنایی، عطار، مولوی، ابن یمین و ... می‌بینیم. بدیهی است از قرن هشتم و نهم به این سو به علت تغییر شرایط سیاسی اجتماعی شعر عاشورایی تجلی بیشتر و گسترده‌تری یافته است چنان‌که می‌توان گفت بخشی از حیات ادبی فارسی به عاشورا بازبسته است. عاشورا با روح و هستی فرهنگ و اندیشه ایرانی پیوند خورده و در فرهنگ ایرانی و ادبی ایران زمین ریشه عمیق یافته است، تا جایی که می‌توان ادعا کرد مکتب عاشورا است که به انقلاب و شعر انقلاب و شعر آیینی حیات می‌بخشد.

شعر آیینی عاشورایی از جمله حوزه‌های موضوعی شعر قیصر امین‌پور است که به موجب آن نشان داده شده است نسبت به مذهب شاعری متعهد و دردمند است به طوری که می‌توان او را در زمره برجسته‌ترین شاعران مذهبی و آیینی دوره معاصر قلمداد کرد. وی با بیانی هنری دیدگاه‌های مذهبی و آیینی به ویژه محبت و باور قلبی خود را به اهل بیت عصمت و طهارت (ع) به تصویر کشیده و آثار ارزنده‌ای از خود به یادگار گذاشته است.

مجموع عاشورایی‌های شعر قیصر امین‌پور عبارتند از: منظومه ظهر روز دهم - نی‌نامه - شعری برای زیارت - حماسه عباس - کودکان کربلا - چارپاره (یاد شربت‌های شیرین و خنک، بوی ظهر داغ عاشورا به خیر، یاد آتش نذری همسایه‌ها، روضه‌ها و نوحه‌خوانی‌ها به خیر) - کودکی که شمشیر بلندش کربلا را شخم می‌زد. از مجموع آنچه گفته آمد پژوهندگان در این مقاله بیشتر به منظومه ظهر روز دهم و نی‌نامه با رویکردی انتقادی زیباشناختی پرداخته‌اند.

## نوگرایی

شعر آیینی - عاشورایی فراز و نشیب‌های فراوانی را پشت سر گذاشته است. از جمله آفت‌هایی که به ویژه طی دهه‌های اخیر شعر آیینی - عاشورایی را تهدید کرده است غلو، قیاس، تکرار و کلیشه‌برداری بوده است که به موجب آن تحریف، عوام‌فریبی و گمراهی از اتهاماتی هستند که مخالفان و سودجویان به شعر آیینی عاشورایی شیعی می‌زنند؛ حال آن‌که

عظمت ائمه اطهار(ع) و قیام عاشورا نیازی به افراطی‌گری‌ها و مبالغه‌ها ندارد. بنابراین ضرورت دارد اهل بیت(ع) به ویژه قیام امام حسین(ع) با عقلانیت و اندیشه‌ورزی و متناسب با شرایط زمانه به مردم معرفی شوند و در این میان شاعران رسالتی شگرف بر عهده دارند.

نوگرایی‌هایی که قیصر امین‌پور در شعر آیینی عاشورایی ایجاد کرده است به اجمال عبارتند از:

۱- خلق تصویرهای نو (آمیختگی تصویری حماسی، عاطفی، عرفانی)

۲- تعبیرها و تفسیرهای شاعرانه نو از مسایل آیینی عاشورایی

۳- عدم توقف در بعد زمانی تاریخ عاشورا

۴- هنجارگریزی

۵- پرهیز از غلو، قیاس و تکرار

۶- پرهیز از عوام‌فریبی

۷- استفاده از تعبیرهای واژگانی نو

۸- عقلانیت محوری

شعر قیصر امین‌پور پلی است که با عقلانیت و اندیشه‌ورزی و نوآوری در خلاقیت هنر، جلوه‌های ادبیات آیینی - عاشورایی را به تناسب زمان به مردم انتقال داده است. نهضتی را که امین‌پور در این زمینه ایجاد کرده است مایه بازنگری و احیای شعر آیینی - عاشورایی با رویکردی انتقادی به باورهای مردمی و حذف بسیاری ناروایی‌ها و نشان‌دادن راه معقول و سنجیده شعر آیینی - عاشورایی امروزی بوده است.

شعر قیصر در سنامه شعر آیینی - عاشورایی با رویکردی نوگرایانه و امروزی است. قیصر با نگاه زیرکانه و هنرورزی تام بی‌آنکه بخواهد از بینش معمول و متداول مردمی و هنری آیینی - عاشورایی بهره‌مند شود، ترجیح را بر آن می‌نهد که مردم را با اندیشه‌ها و برداشت‌های شاعرانه خود، که برخاسته از مطالعه دقیق و عمیق او از قلمرو مفاهیم دینی است، هم‌نوا و همراه کند. از این رو، می‌توان قیصر را شاعری اصلاح‌گرا در شعر آیینی - عاشورایی قلمداد کرد.

از هنرورزی‌های قیصر در شعر آیینی عاشورایی یکی آن است که شاعر خود با دریافت‌های شخصی و با عینک نگاه شخصی خویش، به موضوع کربلا و عاشورا می‌پردازد. خطری که این

روش برای شاعر به همراه دارد این است که نتواند در خور مقام و مرتبه کربلاییان و عاشوراییان و ائمه اطهار(ع) سخن بگوید. در اغلب سوگ‌سروده‌های آیینی - عاشورایی این نقص مشاهده می‌شود که شاعر بی آنکه به فضیلت و قدر و شکوه و عظمت قیام عاشورا و شهادت پردازد، به سوگ‌سرایی و مرثیه پرداخته است. البته ذکر مصیبت عاشورا و مظلومیت ائمه اطهار(ع) و پایداری حق اعتبار و ارزش خاص خود را داراست، ولی فلسفه شهادت، فرهنگ عاشورا، حماسه‌آفرینی‌ها، آرمان‌گرایی‌ها و ... از جمله مفقوده‌های این گونه شعرهاست. قیصر امین‌پور بی آنکه به مرثیه و سوگ صرف و گریه و شیون پردازد، با بینشی سیاسی اجتماعی به فرهنگ عاشورا، فلسفه شهادت، عشق در عاشورا، حماسه عاشورایی، شهادت‌طلبی و آرمان‌جویی‌ها و رشادت‌ها و تعمیق آگاهی در شعر بر اساس مطالعات دقیق و عمیقی پرداخته است که در قلمرو هنری مفاهیم دینی کمتر مشابهی برای آن می‌توان متصور شد.

نباید از نظر دور داشت که هرگونه نوگرایی شعری آن هم در موضوعاتی که با اندیشه، فرهنگ، باور و ایمان جمعی مرتبط است برای شاعر اضطراب‌ها و دلمشغولی‌هایی را هم به همراه دارد. این نکته را می‌توان از جمله موانع نوگرایی هنر شاعرانه دانست. زیرا شاعر در این صورت با قضاوت دیگران مواجه می‌شود که می‌تواند در سرنوشت هنری شاعر تأثیر بسزایی داشته باشد. با این وصف، قیصر امین‌پور در نوگرایی شاعرانه خویش راه میانه را برگزیده است؛ نه در دام تکرار مانده است و نه اسیر افراطی‌گری‌های نوگرایان هم‌دوره‌اش.

قیصر بر کنار از هرگونه نوگرایی‌های افراطی، به ساخت و صورت و زیبایی‌شناسی متعادل در شعر رسیده است. با وجود آن‌که در بطن جریان‌های نوگرایی است و دسته‌بندی‌های شعری و سوسه انگیز دهه‌های ۷۰ و ۸۰ و مهم‌تر از آن مدرنیسم‌گرایی و پست‌مدرنیسم‌گرایی مرسوم شاعرانی شده بود که قیصر هم می‌توانست یکی از آنها باشد، شعر خود را در حدی ملایم با ضرورت مخاطب‌شناسی دقیق و پیش‌بینی ضرورت استقبال مخاطبان سامان می‌بخشد.

نوآوری‌های قیصر امین‌پور در حوزه‌های گوناگون زبانی (واژگان، شکل و فرم) صور خیال (آشنایی‌زادگی - حس‌آمیزی - تشخیص - تصویر پدیده‌های دنیای امروزی، تصویر دنیای کودکی، سمبل و نماد - اسطوره و مفاهیم اساطیری و کهن‌الگو) موضوعی درازدامن است که

□ فصلنامه زیبایی‌شناسی ادبی ❖ سال چهاردهم ❖ شماره ۳۲

پرداختن به تمام آنها در این مختصر نمی‌گنجد.

با این وصف در ادامه به پاره‌ای از این موارد اشاره می‌شود:

با وجود آن‌که قیصر به قالب مثنوی کمتر توجه نشان داده است یکی از شاهکارهای مثنوی آیینی - عاشورایی شعر معاصر مثنوی «نی‌نامه» اوست که در آن راز سر به مهر نی را با تعبیر عاشورایی فاش می‌سازد. قیصر نیک آگاه است که نی‌نامه مولانا به قدری اعتبار و اهمیت و شهرت دارد که تولید هرگونه نسخه بدل و یا اقتباس و تضمینی از آن می‌تواند با شکست همراه باشد؛ ولی با آگاهی ادبی به زیبایی به مصاف نی‌نامه مولانا می‌رود و نی‌نامه عاشورایی - اش را با رویکردی نوگرایانه می‌سراید:

... خدا چون دست بر لوح و قلم زد	سر او را به خط نی رقم زد
دل نی‌نامه‌ها دارد از آن روز	از آن روز است نی را ناله پر سوز
چه رفت آن روز در اندیشه نی	که این سان شد پریشان بیشه نی
سری سرمست شور و بی‌قراری	چو مجنون در هوای نی سواری
پر از عشق نیستان سینه او	غم غربت، غم دیرینه او
غم نی بندبند پیکر اوست	هوای آن نیستان در سر اوست
دلش را با غریبی آشنایی است	به هم اعضای او وصل از جدایی است
سرش بر نی، تنش در قعر گودال	ادب را گه الف گردید گه دال ...

(امین پور، ۱۳۷۲: ۱۶۲)

در این مثنوی نوآوری‌های قیصر از جهات مختلف قابل توجه است. نخست آن‌که معانی و تعبیرهای گوناگون از نی در نظر داشته است: ساز، نیزه، نیشکر، قلم و چوب. اما آنچه بیشتر جلوه می‌کند تشبیه وجود نازنین امام حسین(ع) به نی است که با بیانی استعاری و بینشی شاعرانه به تصویر کشیده شده است. دو دیگر این که شاعر همه گونه‌های نی را در دردمندی و سوزداری وحدت می‌بخشد. همچنین چنان که قابل ملاحظه است با وجود آن‌که مثنوی سروده روایت نکرده است و هر بیت نی‌نامه‌اش مضمونی جداگانه دارد. اما پراکندگی ندارد و سیر

عمودی واقعی شعر به خوبی رعایت شده است. از سوی دیگر، کاربرد ایهام بر زیبایی‌های شعر و هنرش و تأثیر بر مخاطب افزوده است.

نی‌نامه را با تکرار چهار بار «خوشا» آغاز می‌کند و لحن غنایی را با همین واژه چاشنی شعر می‌کند، سپس با فاصله یک بیت لحن غنایی را به لحن حماسی می‌چرخاند: «زبان را زخمه فریاد کردن»

در تعبیری هنری و نوآورانه نی را که از روز نخست خلقت پدید آمده است در لوح محفوظ نالان دانسته است و ناله نی را پیوند زده است با واقعه عاشورا:

خدا چون است بر لوح و قلم زد      سر او را به خط نی رقم زد  
دل نی ناله‌ها دارد از آن روز      از آن روز است نی را ناله پرسوز

(همان: ۱۶۳)

و سرایش همیشگی نی‌نامه را گویی تأکید می‌کند:

خوشا از نی خوشا از سر سرودن      خوشا نی‌نامه‌ای دیگر سرودن

(همان: ۱۶۳)

سیدعلی موسوی گرمارودی در باره نی‌نامه قیصر می‌گوید: «... اما شعر حتی یک کلمه اضافه ندارد و با صدای بلند می‌گویم: پهلوی به پهلوی برجسته‌ترین شعرهای آیینی فارسی از آغاز تا امروز می‌زند.» (موسوی گرمارودی، ۱۳۸۶: ۱۱)

در جایی دیگر با تحلیلی زیبا و رویکردی نوگرایانه و با به کارگیری تشبیه مضمر، چهره مبارک امام حسین(ع) را با توجیهی هنری و زیبا به گل سرخ مانند کرده است:

ندانم کار دیگرگون چرا بود      ز شرح وصف ما بیرون چرا بود  
گل سرخ از ز بی آبی شود زرد      رخ او در عطش گلگون چرا بود

رالف. ج. هالمن در باره خلاقیت می‌گوید: «استعداد یافتن روابط نو، پیدایی روابط نوین و ترکیب‌های تازه، گرایش به شناختن نوآوری‌ها، عمل پدید آوردن بینش جدید، بازنمایی کیفیت‌های تازه معانی» (روزت، ۱۳۷۱: ۲۵)

اگر همین جمع‌بندی را به عنوان کلیشه‌ای برای تشخیص نوآوری و خلاقیت یک شاعر و یا عدم آن در نظر بگیریم می‌توانیم رأی به نوآوری و هنرورزی شاعرانه امین‌پور بدهیم. نباید از نظر دور داشت قیصر در تئوری‌ها و نظریه‌های نوآوری صاحب‌نظر است. کتاب تحقیقی او با عنوان «سنت و نوآوری در شعر معاصر» گواه آگاهی او از جریان‌های نوگرایانه و گونه‌ها و چگونگی‌های نوآوری در شعر است. در جایی از کتابش می‌گوید: «بر خلاف بدعت در دین، بدون بدعت در هنر نمی‌توان آن را زنده فرض کرد.» به هر روی، نوآوری‌هایی که امین‌پور در حوزه شعر آیینی - عاشورایی به نمایش گذاشته است او را به شاعر معیار آیینی مبدل کرده است.

### تصویرپردازی

«هنر، اندیشیدن در قالب تصاویر است و بدون تصاویر هیچ هنری به ویژه هیچ شعری وجود ندارد.» (قاسمی‌پور، ۱۳۸۶: ۳۱)

تصویرپردازی یکی از محورهای اصلی زیبایی‌شناسی شعر است که هم شاعران به آن تمسک می‌جویند و هم منتقدان سخن آن را دستاویزی برای نقد سخن می‌کنند. در طول تاریخ شعر متعهد شیعی شاعران در جستجوی خلق تصاویر و ترسیم زیبای صحنه‌های عاشورا بوده‌اند و انصاف این است که حکم کنیم شاعران در خلق شاهکارهایی با آفرینش‌های تصویری بی‌نظیر در شعر آیینی عاشورایی سنگ تمام نهاده‌اند اما نباید از نظر دور داشت که تکرار رفتارهای زیبایی‌شناختی شاعران در شعرهای عاشورایی از اعتبار زیباشناختی آنها در طول تاریخ کاسته است (البته به نظر می‌رسد یکی از علت‌های اصلی این ضعف، پرشماری آثاری است که در این حوزه به چاپ رسیده است.) برای مثال تکرار مضمون سرو خورشید در شعر شاعران اندک نیست. از سوی دیگر مطالبی به عنوان شعرهای عاشورایی به چاپ می‌رسد و یا در فضای مجازی دست به دست می‌چرخد که ارزش هنری و اعتبار زیباشناختی آنها از جهت واژگانی، زبانی، محتوایی و مضمونی شعر را به پایین‌ترین درجه خود می‌رساند؛ برای نمونه:

نوار مغز سرم، در محضر دکترا، خط خطی و قاطی بود  
طیب توی مطب، متحیر صدا زد، این چه نوار مغزی بود؟  
می‌دونی چی دادم، جواب دکترا؟  
علت عیش اینه آقای دکترا  
من روانی‌ام/ روانی حسین  
خط خطی شده/ از عشق حسین

به هر روی برخورد اغلب شاعران با واقعه عاشورا وجهی نمادین و کلی‌یافتی و تکراری یافته است و سال‌هاست از درخشش شاهکارهای شعری در این حوزه چندان خبری نیست و تولیدهای سخیف هم در این عرصه کم نیست.

اما شعر آیینی عاشورایی قیصر فاقد تصویرهای تکراری و کلیشه‌ای و تقابلهای زیباشناختی تکراری است. توان هنری و شاعری قیصر به ویژه تسلط وی بر ظرافت‌های لفظی و معنوی در شعر، او را از تقلید و تکرار بر حذر داشته است. از سوی دیگر، شعرش مشحون از آفرینش‌های ادبی در تصویرهای شعری است. طرفه آن‌که تصاویر شاعرانه‌اش، متکلفانه نیستند، از این رو مخاطب با شاعر همراه و همسو می‌شود.

شفیعی‌کدکنی در تعریف تصویر می‌گوید: «تصرف ذهنی شاعر در مفهوم طبیعت و انسان و کوشش ذهنی او برای برقراری نسبت میان انسان و طبیعت یا طبیعت با طبیعت است.» (شفیعی‌کدکنی، ۱۳۶۶: ۲)

قیصر امین‌پور در خلق تصویرهای ماندگار عاشورایی نوگرایی‌ها کرده و آنچه را در ذهن آیینی عاشورایی‌اش داشته به زبان تصویر به خوبی ایراد کرده است، به نحوی که از راه تصویرهای شعری او می‌توان به خوبی به اندیشه‌ها و خیالات درونی او راه یافت.

بدون شک شاعر عاشورایی در تصویرپردازی با محدودیت مواجه است، زیرا ناگزیر است تصاویری متناسب با واقعه عاشورا بیافریند و حریم و حرمت آن را حفظ کند و فراهنجاری و فراعادتی را نیز در تصویرهای خویش به نمایش بگذارد تا از وجه تقلیدی و تکراری تصویرهای شعری دور بماند و از سویی ساحت ادیبانه تصویرها و عظمت و شگفتی این

□ فصلنامه زیبایی‌شناسی ادبی ❖ سال چهاردهم ❖ شماره ۳۲



رویداد را رعایت کند. قیصر با درک صحیح از امکانات زبانی و قابلیت‌های تصویرآفرینی خود را از تنگنای تصویرآفرینی شعر آیینی عاشورایی رهایی بخشیده و تصاویری تأثیرگذار و ایماژهایی عاطفی و عرفانی خلق می‌کند.

خلق تصاویر عرفانی از عاشورا از ویژگی‌های هنری قیصر است که با روح عاشقانه‌اش پیوند می‌خورد و نمونه‌های ارزنده‌ای را از خود بر جای می‌گذارد. در شعر زیر تصاویری سیال و عرفانی با روحی حماسی پیوند خورده و آفرینش ادبی را به اوج رسانده است:

آسمان غرق تماشا بود

ابرها را، آسمان از پیش چشم خویش پس می‌زد

و زمین از خستگی در زیر پای او نفس می‌زد

آسمان بر طبل می‌کوبید

کودکی تنها به سوی دشمنان می‌راند

(امین پور، ۱۳۸۷: ۱۷)

شاعر در منظومه روز دهم، با زبانی ساده و همه‌فهم و با قالبی نیمایی، تصویری جانکاه و به یادماندنی از عاشورا خلق کرده است. وقتی سخن از کربلاست عشق را به میان می‌کشد، آن هم برای نوجوانی که نسبت به واژه عشق حساسیت و ممنوعیت قایل است و چقدر صمیمی و زیبا و طبیعی عشق را با ریشه‌های اعتقادی، دینی و مذهبی پیوند می‌زند و می‌سراید:

ظهر عاشوراست

کربلا غوغاست

کربلا آن روز غوغا بود

عشق، تنها بود

و در ادامه با توصیفاتی جذاب از صحنه واقعه تصویری پیش روی مخاطب نوجوان خویش ترسیم می‌کند و او را با خود همراه می‌سازد تا نظاره‌گر ادامه واقعه باشد.

آتش سوز و عطش بر دشت می‌بارید

در هجوم بادهای سرخ

بوته‌های خار می‌لرزید  
از عرق پیشانی خورشید، تر می‌شد  
دم به دم بر ریگ‌های داغ  
سایه‌ها کوتاه‌تر می‌شد  
سایه‌ها را اندک اندک  
دیگ‌های تشنه می‌نوشتید  
زیر سوز آتش خورشید  
آهن و فولاد می‌جوشید

(همان: ۱۲)

شاعر با تصویرهایی که در ادامه شعر به نمایش می‌گذارد، شعر را از ساختار بیانی به ساختار هنری سوق می‌دهد و آن را از اصول کلیشه‌ای، ملال‌آور و ایستا خارج می‌کند و مانع رکود تصویری در شعر می‌شود و از منظری دیگر شیوه‌ای بدیع و رفتار شاعرانه‌ای جدید را در پیش می‌گیرد. تصویرهایی که می‌آفریند، با توجه به حال مخاطب حسی‌اند و تأثیرگذار. شاعر می‌خواهد آرمان‌های مذهبی و عاشورایی را با آرمان‌های انقلاب پیوند بزند و در کودک و نوجوان امروز روح عاشورایی بدمد. به بیان دیگر، شاعر آرمان‌های مذهبی عاشورایی را با آرمان‌های ملی پیوند می‌زند:

قصه آن کودک پیروز  
سال‌ها سینه به سینه گشته تا امروز  
بوی خون او هنوز از باد می‌آید  
داستانش تا ابد در یاد می‌ماند ...

(همان: ۳۵)

و با نهایت ایجاز پیام عاشورا را در گوش کودکان و نوجوانان امروز این گونه زمزمه می‌کند:  
راستی آیا

کودکان کربلا

تکلیفشان تنها

دائماً تکرار عشق آب آب

مشق بابا آب بود؟

و چه نیکو تعهد را برای همه مخاطبانش (بزرگ و کوچک) تعریف می‌کند و بر دوش همگان می‌نهد که مراقب باشند که فقط به مشق عاشورا نپردازند بلکه از آن درس‌ها بیاموزند و در زندگی به کار بندند.

آمیختگی تصویرهای حماسی و عاطفی در این شعر وجه متفاوتی از شعرهای آیینی عاشورایی را نمایانده است. گاه سخن لحنی حماسی می‌یابد: «می‌خروشید و رجز می‌خواند»، «این منم تیر شهابی روشن و شب‌سوز» و گاه لحن عاطفی و پر سوز و گداز: «دشت پر خون شد، عرش گلگون شد/ عشق زد فریاد/ شیونی در خیمه‌ها پیچید...»

شاعر روایت‌های تصویری را با زاویه دید دانای کل به زبان شعر می‌سراید. گویی در صحنه نبرد حاضر است ولی در بزنگاهی از واقعه، «خون ز چشمان زمین می‌جوشد و چشم‌های آسمان را هم اشک همچون پرده‌ای می‌پوشد» تا جایی که راوی را هم یارای نگریستن نیست:

بعد از آن چیزی نمی‌دیدم

خون از چشمان زمین جوشید

چشم‌های آسمان را هم

اشک همچون پرده‌ای پوشید

(همان: ۲۸)

و در بزنگاهی دیگر، راوی با بیانی نغز و ظریف، در حالی که هنروارانه از شرح جزئیات واقعه سر باز می‌زند و نشان می‌دهد اگر چه راوی دانای کل است ولی از شرح و تصویر بعضی قسمت‌های واقعه عاجز است، شهادت کودک واقعه را این گونه تصویر می‌کند:

من نمی‌دانم چه شد دیگر

بس که میدان خاک بر سر زد  
 بعد از آن چیزی نمی‌دیدم  
 در میان گرد و خاک دشت  
 مرغی از میدان به سوی آسمان پر زد  
 پرده هفت آسمان افتاد ...

(همان: ۲۹)

پیداست شاعر به زمان و کارکردهای گوناگون آن حساسیت فراوان دارد و از عوامل برجسته‌سازی زبانی از قبیل هنجارگریزی و قاعده‌افزایی به نیکی آگاه است، چنان‌که تصویرهای شعری‌اش که گرد کهنگی و تکرار را از آنها زدوده است مرهون همین حساسیت و آگاهی است.

شاعر نیک آگاه است که موضوع قیام عاشورا باید در کودکان و نوجوانان شیعی نهادینه شود از این است که از سرودن شعرهای عاشورایی برای آنان دریغ نمی‌ورزد. طرفه آن‌که در همه گونه‌های شعرهای عاشورایی و آیینی‌اش توانسته است شعر را به زبان مخاطب امروز (زبان معیار) نزدیک کند خواه زبان کودکان و نوجوانان و خواه زبان بزرگسالان. البته در نزدیک کردن شعر آیینی عاشورایی به زبان معیار شاعرانی چون سید حسن حسینی و سلمان هراتی نیز نقش بسزایی داشته‌اند. شکلوفسکی می‌گوید: «شاعران نگاه‌ها را نمی‌آفرینند، بلکه آنها را می‌یابند، یعنی آن‌ها را از زبان طبیعی و زبان معیار گردآوری می‌کنند.» (احمدی، ۱۳۷۰: ۵۹) در غزلی از عاشورایی‌های قیصر، بی آن‌که شاعر نامی از عباس (ع) به میان آورد، زیبایی حماسه عباس را با زبانی طبیعی و با استفاده از ابزارهای زبان معیار، می‌سراید و تصویرهایی بی‌نظیر می‌آفریند که هر یک تابلویی ماندگار و جاودانه است.

در طول تاریخ هنر و ادب ایرانی، تصویرهایی بی‌شمار از خورشید، گل، هفت آسمان و... ترسیم شده است، ولی هنر تصویرگری قیصر از این عناصر با استفاده از زبان معیار در شعر زیر گونه‌ای دیگر است:

خورشید خم شد تا نگاهت را ببوسد

□ فصلنامه زیبایی‌شناسی ادبی ❖ سال چهاردهم ❖ شماره ۳۲

گل غنچه شد تا قرص ماهت را ببوسد  
هفت آسمان افتاد در آینه آب  
تا لحظه‌ای رد نگاهت را ببوسد  
افتاده حتی سایه خورشید بر خاک  
تا ذره‌ای از گرد راهت را ببوسد  
شب خیمه زد بر سایه روشن‌های نیزار  
تا تار مژگان سیاهت را ببوسد  
در برکه خم شد روی عکس ماه در آب  
نیلوفری، تا روی ماهت را ببوسد...

(امین‌پور، ۱۳۸۶: ۱۰۲)

زبان ساده و به روز و پیوند آن با عاطفه سرشار از امتیازات شعر آیینی عاشورایی قیصر است. نه راه غلو را اختیار کرده است و نه مظلوم‌نمایی کرده است. در مجموع باید گفت قیصر امین‌پور در تصویرگری عاشورایی‌اش هم زیبا دیده هم زیبا سروده و هم زیبا تصویر کرده است.

آموزه آزادگی عاشورایی را همه جا در شعرهایش نمایش می‌دهد. در غزلی به نام «الهی» این‌گونه نیایش می‌کند:

الهی به زیبایی سادگی  
به والامقامی افتادگی  
رهایم مکن جز به بند غمت  
اسیرم مکن جز به آزادگی

#### گفتمان علمی - دانشگاهی

قیصر امین‌پور شاعری دانشگاهی و تحصیل‌کرده بود. استاد دانشگاه بود و تحصیلات ادبی داشت؛ از این رو ذوق ادبی‌اش و درک شاعری‌اش با تخصص و مهارت پیوند خورده و تسلط

او را بر قالب‌های شعری و ضرورت‌های هنری در شعر و مخاطب‌سنجی افزونی بخشیده است. از سویی، با وجود آن‌که شاعر از عوام نیست ولی با هوشمندی، شعر خود را به مخاطب خاص اختصاص نداده است و در به‌کارگیری صنایع بلاغی و زیباسازی کلامی و آفرینش تصویرهای شاعرانه و موسیقی شعر به مخاطب عام هم توجه دارد و توانسته است او را با شعرش همسو و همساز کند. (ر.ک: فرکلاف، ۱۳۷۹: ۸)

قیصر در حوزه شعر آیینی - عاشورایی نوعی گفتمان علمی دانشگاهی را رقم زده است. چنان‌که اگر عوامل بیرونی متن گفتمان شعری قیصر امین‌پور را بسنجیم در خواهیم یافت بافت موقعیتی که قیصر در آن قرار گرفته است و حوزه فرهنگی و اجتماعی‌ای که قیصر در آن است در این گفتمان تأثیر بسزایی داشته است. طرفه آن‌که در این رویکرد علمی دانشگاهی از توجه به مسایل زیباشناختی شعر فارغ نبوده است و توانسته است رویکرد عقلانی شاعرانه‌اش را با نظام زیباشناختی شعر هم‌تراز کند و بر عیار عقلانیت شعر با معیارهای زیباشناختی بیفزاید.

با توجه به آنچه گفته آمد، هرگونه تحلیل در نظام معنایی شعر قیصر و دیدگاه‌های فکری و اندیشگی وی بدون در نظر گرفتن بافت موقعیتی، فرهنگی و اجتماعی وی بی‌فایده خواهد بود. بر این اساس، گفتمان شعری عاشورایی قیصر در بازتولید نظام فکری و اجتماعی شعر عاشورایی تأثیر فراوان داشته است. وی با پیوند سه حوزه عرفانی، حماسی و عاطفی رویکردی علمی - آکادمیک را در نظام آوایی و آژگانی شعر خویش به نمایش گذاشته است. محوریت و آژگانی شعرهای عاشورایی شاعر، با توجه به ترکیب سه حوزه مذکور، بیانگر نگرش شاعر به موضوع عاشورا به عنوان یک پدیده اجتماعی فراگیر است.

در گفتمان علمی دانشگاهی شعر قیصر، نوعی نگاه انتقادی به دین‌داری عوامانه و سطحی‌نگر و تجلی آن در شعر امروز قابل استنباط است. امین‌پور با این روش، الگویی ارایه داده است برای خروج از روش‌های عوامانه شاعری به ویژه در حوزه شعر آیینی - عاشورایی. شاعر در این دسته از شعرها، هیچ‌گاه خود را به ورطه ارایه مطالب نادرست و گزافه و احساسات عوامانه عاشورایی نمی‌افکند، بلکه با نگاهی ژرف‌نگر، دقیق و تعقلی توأم با احساسات و عواطف عمیق به موضوع عاشورا می‌نگرد.

□ فصلنامه زیبایی‌شناسی ادبی ❖ سال چهاردهم ❖ شماره ۳۲

بررسی شعر قیصر از منظر گفتمان ادبی - هنری گویای این واقعیت است که بر خلاف بسیاری از شعرهای آیینی عاشورایی که غم فضای غالب این گونه شعرهاست، وی هیچ گاه غم و درد را میهمان مخاطبان شعر عاشورایی خویش نمی‌کند. اشتباهی که تاکنون در باره شعر آیینی عاشورایی صورت گرفته این است که اغلب تصور می‌شود غم و اندوه و عاطفه غلیظ به شعر آیینی عاشورایی اعتبار بیشتری می‌بخشد و وجوه زیباشناختی آن را تقویت می‌کند. آنچه قیصر از شعر آیینی عاشورایی ارایه داده است نوعی گفتمان هنری یک شاعر نوگرا و نخبه اجتماعی است که البته با نگاه یک متخصص و یا روشنفکر یا عالم دینی و مراجع روحانیون و یا روشنفکران سکولار و لائیک فرق دارد. بیش از آن که مویه کند نگاهی سیاسی اجتماعی و عبرت‌آموز به واقعه کربلا دارد. با بیانی عاشقانه، عارفانه و لحنی حماسی نگاه متفاوت یک شاعر متعهد امروزی را به تصویر کشیده است.

با وجود آن که «نی‌نامه» قیصر سوگ‌سروده‌ای است ولی در این شعر، نشان می‌دهد که مرثیه را می‌توان با رویکرد انسان امروزی و با نگاهی متفاوت، با اندیشه‌محوری و معرفت‌شناسی و تناسب با سبک زندگی امروزی همراه کرد.

از معیارهای شعر هیأتی این است که شاعر قصد دارد از مخاطب گریه بستاند ولی قیصر سعی دارد به فلسفه و هنر عاشورا به شیوه‌ای تعقلی و در عین حال هنری پردازد. ارزش‌های هنری شعر آیینی عاشورایی قیصر آن‌گاه خوب دانسته می‌شود که بدانیم برای شاعر مداح ساده‌تر آن است که به مرثیه و مدیحه پردازد و به همین نسبت بسیاری از شعرهای به اصطلاح آیینی عاشورایی نثرهای منظومی هستند که به اشتباه لقب شعر گرفته‌اند. اما در شعرهای عاشورایی قیصر میان احساس و عاطفه و معرفت و شناخت پیوندی ناگسستنی ایجاد شده است. قیصر خود را صرفاً در دام احساسات و عواطف غلیظ شاعرانه گرفتار نمی‌کند بلکه مسایل معرفتی و شناختی را نیز چاشنی شعر می‌کند و با این روش، شعر آیینی عاشورایی را از وجه پوپولیستی و عامه‌گرایانه به شعر دانشگاهی و خردمندانه سوق می‌دهد.

در عین سادگی کلامی با پوشیدگی و عدم صراحت در کلام، شعرهای عاشورایی‌اش را سروده است و بر آن است که از عریان‌سرایي و بی‌پرده‌گویی در شعر بپرهیزد و بر کنار از

معمّاگرایی و لغزسرایی با بیانی استعاری و هنری از نظم فاصله بگیرد و شعر ناب آیینی عاشورایی را با رویکردی ایرانی به مخاطبان خویش عرضه کند و به جامعه هنری می‌نمایاند که رسالت هنر آیینی عاشورایی امروز با رسالت هنر آیینی عاشورایی گذشته تفاوت چشم‌گیری یافته است.



## نتیجه

شعر آیینی عاشورایی از معتبرترین حوزه‌های شعر معاصر است که قیصر امین‌پور در کنار شاعرانی چون سید حسن حسینی، علی معلم دامغانی و سلمان هراتی توانسته است در تحول و تعالی آن نسبت به ادوار پیشین سهم بسزایی داشته باشد. به ویژه قیصر توانسته است با هنر شاعرانه‌اش خلاقیت‌ها و نوآوری‌های بی‌شماری در این جریان شعری بیافریند.

قیصر امین‌پور به عنوان شاعری متعهد و دردمند، بر کنار از هر گونه افراط و تفریط‌های جریان‌های شعری معاصر و با شناخت کافی از آنها روشنفکری است که راز نوگرایی شاعرانه آیینی عاشورایی‌اش را باید در پیوند شعرش با میراث گذشتگان شعر و ادب فارسی جستجو کرد و از این رو شعرش پلی است میان گذشته و امروز شعر فارسی.

وی با عقلانیت و اندیشه‌ورزی و نوآوری و خلاقیت هنری، جلوه‌های ادبیات آیینی عاشورایی را به تناسب زمان به مردم انتقال داده است و نوعی رویکرد انتقادی زیباشناختی را در این حوزه به مخاطب شعر خویش القا کرده است. مثنوی «نی‌نامه» و منظومه «ظهر روز دهم» نمونه‌ها و الگوهای درخشانی از شعر آیینی عاشورایی دوره معاصر به شمار می‌آیند.

قیصر با ارایه نمونه‌هایی موفق از شعر آیینی عاشورایی نشان داده است که باید شعر این حوزه از تصویرهای تکراری و کلیشه‌ای پاکسازی شود. وی با وجود محدودیت در تصویرپردازی واقعه کربلا فراهنجاری و فراعادتی را چاشنی هنر تصویرگرانه شعرش کرده و نشان داده است شاعر توانا کسی است که از دایره محدودیت‌ها و تنگنای تصویر، خود را رهایی بخشد.

علاوه بر آنچه گفته آمد رویکرد توامان عقلانی انتقادی زیباشناختی قیصر امین‌پور به موضوع شعر آیینی عاشورایی نوعی گفتمان علمی دانشگاهی را در این حوزه رقم زده است که پرهیز از عامه‌گرایی، ارایه شعر ناب، تغییر در رسالت هنری این نوع شعر، پیوند عرفان و حماسه و عاطفه در عرصه آن و گریز از گریه‌ستانی معمول شعر آیینی عاشورایی از مظاهر این رویکرد و از نشانه‌های موفقیت وی در این زمینه است، به طوری که در یک جمع‌بندی نهایی می‌توان او را شاعر معیار شعر آیینی عاشورایی دانست.

### منابع و مأخذ

- ۱- احمدی، بابک. ساختار و تأویل متن. تهران: مرکز، چاپ چهارم، ۱۳۷۰.
- ۲- امین پور، قیصر. آینه‌های ناگهان. تهران: معراج، چاپ اول، ۱۳۷۲.
- ۳- \_\_\_\_\_ . مجموعه کامل اشعار قیصر امین پور (۱۳۸۵-۱۳۵۹). تهران: انتشارات مروارید، چاپ هفتم، ۱۳۹۰.
- ۴- \_\_\_\_\_ . منظومه ظهر روز دهم. تهران: سروش، ۱۳۸۷.
- ۵- \_\_\_\_\_ . گل‌ها همه آفتابگردانند. تهران: گلشن، چاپ هشتم، ۱۳۸۶.
- ۶- روزت، ای. روان‌شناسی تخیل. ترجمه اصغر الهی و پروانه میلانی. تصحیح محمد روشن. تهران: گوتنبرگ، ۱۳۷۱.
- ۷- ریچاردز، آی. ا. فلسفه بلاغت. ترجمه علی محمدی آسیابادی. تهران: قطره، ۱۳۸۲.
- ۸- شفیع کدکنی، محمدرضا. صور خیال در شعر فارسی. تهران: آگه، چاپ سوم، ۱۳۶۶.
- ۹- فرکلاف، نورمن. تحلیل انتقادی گفتمان. ترجمه جمعی از مترجمان. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها، ۱۳۷۹.
- ۱۰- قاسمی پور، قدرت‌اله. درآمدی بر فرمالیسم در ادبیات. اهواز: رسش، ۱۳۸۶.
- ۱۱- موسوی گرمارودی، علی، «نگاهی به شعرهای آیینی قیصر امین پور - بخش اول - در آمیختن عشق و آیین و حماسه»، روزنامه اعتماد، شماره ۱۵۳۸، ۱۳۸۶/۸/۲۲، ۱۱.